

هو العليم

## استحباب زیارة امام رضا عليه السلام در ماه رجب

حضرت علامه آیت الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی

---

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

و صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

و لعنة الله على أعدائهم أجمعين من الآن إلى قيام يوم الدين

و لا حول ولا قوة إلا بالله العليّ العظيم

از جمله اعمال مستحبی که بر انجام آن در ماه رجب تاکید بسیار شده است زیارت امام رضا علیه السلام می باشد. و در بسیاری از روایات ، زیارت آن حضرت در ماه رجب بمنزله زیارت بیت الله الحرام به حساب آمده است. مر حوم علامه طهرانی بحث جامعی را در ارتباط با این مساله در کتاب شریف روح مجرد نموده اند که در ذیل ارائه می گردد:

### رابطه میان زیارت آنحضرت و زیارت خانه خدا در ماه رجب المرجب

روایت امام محمد تقی درباره افضلیت زیارت امام رضا بر حج غیر از

حجّة الاسلام

در «کافی» ج 4، فروع، کتاب الحجّ و المزار، در باب فضل زیارت اَبی الحسن الرضا علیه السلام، ص 584 روایت کرده است که:

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ حَجَّ حِجَّةَ الْإِسْلَامِ، فَدَخَلَ مُتَمَتِّعًا بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ، فَأَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى عُمْرَتِهِ وَ حَجِّهِ، ثُمَّ أَتَى الْمَدِينَةَ فَسَلَّمَ عَلَيَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آئِهِ ثُمَّ أَتَاكَ عَارِفاً بِحَقِّكَ؛ يَعْلَمُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْفِهِ وَ بَابُهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ، فَسَلَّمَ عَلَيْكَ، ثُمَّ أَتَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، ثُمَّ أَتَى بَغْدَادَ وَ سَلَّمَ عَلَيَّ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ انْصَرَفَ إِلَى بِلَادِهِ، فَلَمَّا كَانَ فِي وَفْتِ الْحَجِّ رَزَقَهُ اللَّهُ الْحَجَّ؛ فَأَبِيهِمَا أَفْضَلُ: هَذَا الَّذِي قَدْ حَجَّ حِجَّةَ الْإِسْلَامِ يَرْجِعُ أَيْضًا فَيَحُجُّ، أَوْ يَخْرُجُ إِلَيَّ خُرَاسَانَ إِلَيَّ أَبِيكَ عَلِيٍّ ابْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيُسَلِّمُ عَلَيَّ؟!

قَالَ: [ لَا ] بَلْ يَأْتِي خُرَاسَانَ فَيُسَلِّمُ عَلَيَّ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ؛ وَلَيْكُنْ ذَلِكَ فِي رَحَبٍ؛ وَ لَا يَنْبَغِي أَنْ تَفْعَلُوا [ فِي ] هَذَا الْيَوْمِ؛ فَإِنَّ عَلَيْنَا وَ عَلَيْكُمْ مِنَ السُّلْطَانِ شُنْعَةً.

«روایت میکند ابوعلی اشعری از حسن بن علی کوفی از حسین بن سیف از محمد بن أسلم از محمد بن سلیمان که گفت:

من از حضرت ابو جعفر امام محمد تقی علیه السلام پرسیدم راجع به مردی که حِجَّة الإسلام خود را انجام داده بود متمتّعاً با عمره، یعنی حجّ تمتّع بجای آورده بود، و خداوند وی را کمک نموده بود تا اینکه آنها را صحیحاً بجای آورد؛ و پس از آن به مدینه آمده بود و زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را بجای آورده بود، و سپس با معرفت به حقّ تو و به اینکه تو حجّت خداوند در روی زمین

هستی و در خدا می‌باشی که باید از آن در وارد شد، به‌سوی تو آمده بود و تو را زیارت نموده و بر تو سلام داده بود. و پس از آن به‌سوی حضرت ابا عبدالله الحسین صلوات‌الله علیه آمده و بر آنحضرت سلام داده، و سپس به بغداد رفته و بر حضرت ابوالحسن موسی علیه‌السلام سلام داده و زیارت نموده، و پس از آن به سوی شهر خود مراجعت نموده است. اینک که موسم حجّ فرا رسیده است، او متمکن از حجّ می‌باشد، بفرمائید: برای او با این کیفیت‌ی که ذکر شد که حجّه الاسلام خود را انجام داده است، آیا باز حجّ بیت‌الله الحرام برای او افضل است، یا اینکه به سوی خراسان برود و بر پدرت علیّ بن موسی علیهما‌السلام سلام کند؟!

حضرت فرمود: نه! بلکه به خراسان رود و بر حضرت ابوالحسن علیه‌السلام سلام کند البتّه آن افضل است؛ ولیکن باید زیارت و سلامش در ماه رجب باشد. و سزاوار نیست که زیارت آن حضرت را در امروز بجای آورید؛ زیرا سلطان وقت این عمل را برای ما و برای شما قبیح و ناپسند می‌شمرد.»

این روایت مبارکه را با سند صحیح دیگری شیخ الطائفة المقدّم متوفّی در سنه 367 ابوالقاسم جعفر بن محمّد بن قولویه در کتاب نفیس و معتبر «کامل‌الزیارات» باب 101: ثواب زیارة ابي الحسن عليّ بن موسی الرضا علیه السلام بطوس، ص 305 از پدرش و از محمّد بن حسن و علیّ بن حسین جمیعاً از سعد بن عبدالله بن ابي خلف از حسن بن علیّ بن عبدالله بن مغیره از حسین بن سیف بن عمیره از محمّد بن أسلم جبلیّ از محمّد بن سلیمان روایت میکند که: از حضرت اباجعفر علیه‌السلام پرسیدم... آنگاه روایت را به عین عباراتی که ما از «کافی» آوردیم روایت میکند. مگر اینکه علامه شیخ عبدالحسین امینی (ره) در تعلیقه خود در ذیل کتاب میفرماید:

عبارت **ثُمَّ أَنَاكَ** به همین گونه در نسخه‌های کتاب آمده است، و مشه‌دی در «مزار کبیر» با اسناد خودش نیز به همین طریقی که در کتاب آمده است روایت کرده است؛ و شیخ صدوق هم با همین سند روایت نموده است ولیکن بجای قوله: **ثُمَّ أَنَاكَ - إِلَيَّ قَوْلُهُ: ثُمَّ أَتَى** آورده است: **ثُمَّ أَتَى أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ يَعْلَمُ أَنَّهُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيَّ خَلَقَهُ وَبَابُهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ، فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ أَتَى -** إلخ؛ و آن روایت صدوق أقرب به صواب است.

### مراد از «هَذَا الْيَوْمِ» در روایت محمد بن سلیمان

در تفسیر ذیل این حدیث مبارک، دو وجه به نظر میرسد:  
**اول** آنکه: مراد از **هَذَا الْيَوْمِ** زمان خلافت خلیفهٔ جائر زمان بوده باشد؛ و بنابراین، مفاد حدیث چنین می‌شود: باید زیارت در ماه رجب بوده باشد، و سزاوار نیست در این زمان و در این دوره که بر ما و شما از سلطان وقت خوف تشنیع هست بجای آوری، بلکه صبر کنید تا این دوره سپری شود و در آن وقت در ماه رجب مشرف شوید و زیارت کنید.

و اشکالی که به این احتمال وارد می‌شود آنستکه: شاید تا چندین سال بعد از این، این خلافت جائره سپری نشود و این دوره به پایان نرسد؛ پس چرا حضرت جواد الائمه آن مرد را از حجّ در موسم خود منع فرموده با آنکه بنا به فرض، تمکن از زیارت حضرت علی بن موسی الرضا را ندارد؟!

**دوم** آنکه: مراد از **هَذَا الْيَوْمِ**، یوم حجّ و موسم حجّ باشد؛ و بنابراین حضرت میفرمایند: این شخص که موسم حجّ رسیده و امر دائر است بر اینکه یا حجّ کند یا زیارت پدرم را، و زیارت مقدم است، در ایام حجّ و موسم حجّ به خراسان نرود و

زیارت نکند زیرا خلیفه میگوید: اینان حجّ خود را زیارت قبر حضرت امام رضا قرار داده‌اند. و در موسم حجّ که مشهود است تمام زائرین بیت‌الله الحرام از اوطان خود خارج و به سوی مکه میروند، معلوم است که اگر کسی به سمت خراسان و برای زیارت سفر کند این سفر چشمگیر مشخص خواهد شد و خلیفه میگوید: اینان از عمل حجّ با چنین و چنان اهمّیت إعراض نموده و محلّی دیگر که قبر امامشان است، بدانسوی قصد می‌کنند و حجّ می‌کنند. پس در موسم حجّ به زیارت نروید و صبر کنید در زمانی که از نقطه نظر تدریج زمان در مقابل موسم حجّ قرار دارد و آن، ماه رجب است که در ضمن دارای شرف و فضیلت و شهرالله الاصبّ است زیارت کنید تا این احتمال تشنیع از شما برداشته شود. در اینصورت، زیارت کرده‌اید و سلطان را نیز نسبت به خود در شكّ و شبهه نینداخته‌اید!

و این وجه از احتمال بسیار خوب است و اشکالی ندارد. مضافاً به آنکه در زیارت حضرت امام رضا در موسم حجّ به بیان مقدّم خوف تشنیع هست نه مطلق زیارت گرچه در ماه رجب باشد؛ چون زیارت ائمه علیهم السّلام بطور مطلق در آن زمانها رائج و دارج بوده، و شیعیان به زیارت قبور ائمه خود معروف بوده‌اند.

باری، علي أيّ الاحتمالین عبارت روایت، لفظ رجب است بالجیم الْمُعْجَمَة؛ ولی یکی از دوستان: جناب آیه‌الله آقای حاج سید موسی شَبیری زنجانی دامت برکاته گفتند: در نسخه «کافی» که به تصحیح مرحوم آیه الله شهید حاجّ شیخ فضل‌الله نوری اعلی‌الله مقامه الشّریف طبع شده است، رجب را بالحاء الْمُهْمَلَة ضبط کرده‌اند و يك نفر از آیات عظام دامت برکاتهم که کتابی در باب زیارت حضرت امام رضا علیه‌السّلام نوشته‌اند، این ضبط را ترجیح داده و گفته‌اند که: عبارت رَجَب است، یعنی باید زیارت را در سِعه بجای آورید، و در این زمان که زمان شدّت و

ضیق است خودداری کنید چون از سلطان خوف تشنیع است. و بنابراین زیارت حضرت ثامن الائمه علیه السلام در ماه رجب خصوصیتی ندارد؛ چون مناط توهّم خصوصیت، فقط همین روایت است؛ و بعد از آنکه معلوم شد عبارت روایت رَجَب است نه رَجَب این مناط برچیده میشود.

### اشکالات وارده در احتمال ضبط «رَجَب» در روایت بجای «رَجَب»

أقول: بر این احتمال، یعنی احتمال ضبط رَجَب بالحاء المهملة وجوهی از ایراد و اشکال است:

**اولاً:** مرحوم محدّث و علامه مجلسی در «بحار الانوار» این حدیث را از کتاب «عیون أخبار الرضا» با سند دیگر از ابن المغیره عَن جَدِّه الحَسَن عَن الحَسَنِ بْنِ سَيْفٍ عَن مُحَمَّدِ بْنِ أُسْلَمَ عَن مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ از حضرت ابا جعفر علیه السلام روایت میکند، و در آن لفظ رَجَب بالجیم المعجمة مضبوط است. [1]

و در آخر این باب فرموده است: و قد مرَّ استِحْبَابُ كَوْنِهَا فِي رَجَبٍ. [2]

و ثانياً: مرحوم مجلسی در «تحفة الزائر» رَجَب ضبط فرموده چون در این کتاب در ضمن ترجمه این حدیث شریف گوید: و باید که در ماه رَجَب باشد، و در این زمان مکنید که بر ما و شما از خلیفه خوف تشنیع هست. [3]

و مرحوم محدّث قمی در «هدیة الزائرین» عین همین ترجمه مجلسی را در این فقره از حدیث آورده است. [4]

و ثالثاً: ابن قولویه در «کامل الزیارات» با سند متصل خود از پدرش و محمد بن الحسن و علی بن الحسین جمیعاً از سعد بن عبدالله بن ابي خلف از حسن بن علی بن عبدالله بن المغیره از حسین بن سیف بن عمیره از محمد بن أسلم

جبلي از محمد بن سليمان از حضرت أبي جعفر الجواد عليه السلام عين اين روايت را با لفظ رجب با جيم معجمه روايت کرده است. [5]

و در «وسائل الشيعة» بابي را به عنوان استحباب اختيار زيارة الرضا عليه السلام و خصوصاً في رجب منعقد نموده است. [6]

و رابعاً: مرحوم شيخ فضل الله نوري در اين حديث شريف ضبط رجب را به حاء مهمله نفرموده است و تصريحي بر ماده رَجَب ندارد و فقط چنانچه در ص 326 از جلد اول «فروع كافي» ملاحظه مي شود عبارت به لفظ رَجَب نوشته شده است؛ بنابراین به چه دليل مي توان گفت: اين تصحيح آن مرحوم است؟ بلکه به ظن قريب به يقين در كتابت، كاتب نقطه جيم را نگذارده است.

و خامساً: اگر شك كنيم كه در اصل رَجَب بوده يا رَجَب، أصالة عَدَمِ زيادةِ النُّقطةِ مُقَدَّمِ علي أصالةِ عدمِ النَّقِیْصَة؛ و بنابراین بايد گفت رَجَب در نُسخ صحيح است نه رَجَب.

و سادساً: معني رَجَب مناسب با مقام نيست، چون رجب به معني وسعت در مكان و محل است نه هر سِعه اي. و از موارد استعمال آن مشاهده مي شود كه پيوسته در موارد سعه مكاني و محلي از آن استفاده مي شود، و اگر احياناً به معني مطلق سعه آيد، باز به عنايت استعمال لفظ خاص در معني مطلق آن است.

در «لسان العرب» گوید: وَ الرَّحْبُ بِالْفَتْحِ وَ الرَّحِيبُ: الشَّيْءُ الْوَاسِعُ. تَقُولُ مِنْهُ: بَلَدٌ رَحْبٌ وَ أَرْضٌ رَحْبَةٌ. الْأَزْهَرِيُّ: ذَهَبَ الْفَرَاءُ إِلَيَّ أَنَّهُ يُقَالُ: بَلَدٌ رَحْبٌ وَ بِلَادٌ رَحْبَةٌ، كَمَا يُقَالُ: بَلَدٌ سَهْلٌ وَ بِلَادٌ سَهْلَةٌ. وَ قَدْ رَحَبْتُ تَرَحُّبٌ وَ رَحَبَ يَرُحِبُ رُحْبًا وَ رَحَابَةً وَ رَحِبَتْ رَحْبًا. قَالَ الْأَزْهَرِيُّ: وَ أَرَحَبْتُ، لُغَةٌ بِذَلِكَ الْمَعْنَى. وَ قَدَّرَ رُحَابٌ أَيَّ وَاسِعَةً...

ابْنُ الْأَعْرَابِيِّ: وَ الرَّحْبَةُ: مَا اتَّسَعَ مِنَ الْأَرْضِ، وَ جَمَعُهَا رُحْبٌ، مِثْلُ قَرِيَّةٍ وَ قُرْيٍ. « -  
إِلَى أَنْ قَالَ صَاحِبُ لِسَانِ الْعَرَبِ:

وَ رَحْبَةُ الْمَسْجِدِ وَ الدَّارِ، بِالتَّحْرِيكِ: سَاحَتُهُمَا وَ مُتَّسَعُهُمَا. قَالَ سَبِيوِيَّةٌ: رَحْبَةٌ وَ  
رِحَابٌ كَرَقَبَةٍ وَ رِقَابٍ وَ رَحْبٌ وَ رَحَابٌ.

الْأَزْهَرِيُّ: قَالَ الْفَرَّاءُ: يُقَالُ لِلصَّخْرَاءِ بَيْنَ أَفْنِيَةِ الْقَوْمِ وَ الْمَسْجِدِ: رَحْبَةٌ وَ رَحْبَةٌ.  
وَ سُمِّيَتِ الرَّحْبَةُ رَحْبَةً لِسَعَتِهَا. بِمَا رَحِبَتْ أَيِ بِمَا اتَّسَعَتْ. يُقَالُ: مَنْزِلٌ رَحِيبٌ وَ  
رَحْبٌ.

وَ دَر «صَاحِبُ الْأَلْفَةِ» كَوَيْدٌ: الرُّحْبُ بِالضَّمِّ: السَّعَةُ؛ تَقُولُ مِنْهُ: فُلَانٌ رُحْبُ الصَّدْرِ. وَ  
الرُّحْبُ بِالْفَتْحِ: الْوَاسِعُ، تَقُولُ مِنْهُ: بَلَدٌ رَحْبٌ وَ أَرْضٌ رَحْبَةٌ؛ وَ قَدْ رَحِبْتَ بِالضَّمِّ تَرُحِبُ  
رُحْبًا وَ رَحَابَةً. وَ قَوْلُهُمْ: مَرَحَبًا وَ أَهْلًا أَيِ أَتَيْتَ سَعَةً وَ أَتَيْتَ أَهْلًا فَاسْتَأْنَسَ وَ  
لَا تَسْتَوْحِشْ. وَ قَدْ رَحِبَ بِهِ تَرَحِيبًا، إِذَا قَالَ لَهُ: مَرَحَبًا...

وَ قَدِرٌ رُحَابٌ أَيِ وَاسِعَةٌ. وَ الرُّحْبِيُّ: أَعْرَضُ الْأَصْلَاعِ، وَ إِنَّمَا يَكُونُ النَّاجِزُ فِي الرُّحْبِيِّينَ  
وَ هُمَا مَرَجِعُ الْمِرْفَقَيْنِ، وَ هُوَ أَيْضًا سِمَةٌ فِي جَنْبِ الْبَعِيرِ. وَ الرَّحِيبُ: الْأَكُولُ. وَ فُلَانٌ  
رَحِيبُ الصَّدْرِ أَيِ وَاسِعُ الصَّدْرِ. وَ رَحَائِبُ التُّخُومِ: سَعَةُ أَقْطَارِ الْأَرْضِ. وَ رَحِبْتَ الدَّارَ وَ  
أَرَحِبْتَ بِمَعْنَى، أَيِ اتَّسَعْتَ. - إِلَيَّ آخِرٍ مَا أَفَادَهُ.

وَ مِشَابَهُ أَنْجَهَ كَفْتَهُ شَدَّ دَر «تَاجُ الْعُرُوسِ» آمَدَهُ اسْت. وَ مَحْصَلٌ أَزْ أَنْجَهَ ذَكَرَ شَدَّ  
أَنكَه: أَيْنَ تَوْهَمَ فِقْطُ وَ فِقْطُ أَزْ نَكَذَارْدَنَ يَكْ نِقْطَةُ «رَحِبَ» بِوَجُودِ آمَدَهُ اسْت. وَ بِمَا  
ذَكَرْنَا كُلَّهُ عَرَفْتَ أَنَّهُ تَوْهَمٌ بِلَا مَوْرِدٍ؛ فَلَا تَغْفُلُ.

وَ سَابِعًا: أَزْ أَنْجَهَ آخِرًا دَر مَعْنَى رَحِبَ ذَكَرَ شَدَّ مَعْلُومٌ شَدَّ كَه: رُحْبٌ بِه مَعْنَى  
سَعَةً اسْت وَ رُحْبٌ بِه مَعْنَى وَاسِعٌ؛ وَ رَوَايَةُ شَرِيفِهِ بِرِ فَرَضِ صَحَّتْ وَارِدَ شَدَّنَ أَنْ  
بِأَحَاءِ مَهْمَلَةٍ وَ بَدُونِ نِقْطَةٍ، بَآيْدِ رُحْبٌ بِالضَّمِّ بَآشَدَ نَه رُحْبٌ بِالْفَتْحِ؛ وَ چُونِ دَر  
نَسْخَةُ «كَافِي» مَطْبُوعِ مَرْحُومِ شَيْخِ، رَحِبَ بِالْفَتْحِ نَوْشْتَه شَدَّه اسْت وَ فَتْحَهُ رَوِي



راء مشهود است، بنابراین متعین حذف نقطه است از جیم معجمه نه به غلط  
ضمّه را فتحه قرار دادن.

### افضلیت زیارت مشاهد مشرفه در ماه رجب

و علّت آنکه حضرت جواد علیه‌السلام ماه رجب را معین می‌کنند، مضافاً إلی ما  
ذکرناه آنکه زیارت همه ائمه علیهم‌السلام در ماه رجب مستحبّ است و حائز  
فضیلت بیشتری از سائر شهور است؛ کما آنکه در «إقبال» در باب أعمال رجب،  
ص 631 راجع به استحباب زیارت هر يك از مشاهد مشرفه در ماه رجب  
میفرماید: رَوَيْنَاهَا بِإِسْنَادِنَا إِلَى جَدِّي أَبِي جَعْفَرٍ الطُّوسِيِّ (ره) فِيمَا ذَكَرَهُ عَنِ ابْنِ  
عَبَّاسٍ قَالَ: حَدَّثَنِي جُبَيْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مَوْلَانَا يَعْنِي أَبَا الْقَاسِمِ بْنِ رُوحٍ رَضِيَ اللَّهُ  
عَنْهُ قَالَ: زُرُّ أَيَّ الْمَشَاهِدِ كُنْتَ بِحَضْرَتِهَا فِي رَجَبٍ، تَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا  
مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ وَ أَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ - تا آخر زیارت شریفه  
وارد.

نصّ بر استحباب زیارت حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام در شهر رجب، فقط در این  
روایت است و روایتی دیگر نداریم. امّا چون این روایت سندش قوی است، لهذا  
کافی است برای عقد باب استحباب زیارت آن حضرت در ماه رجب.

### پادشاهی مترتبه بر زیارت حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام

و اما روايات در فضيلت زيارت آنحضرت بطور مطلق، بسيار است. در بعضي وعده بهشت داده شده است، و در بعضي عدل شهادت شهداي بدر بشمار آمده است، و در بعضي ثواب هزار حج و هزار هزار حج بر آن مترتب گرديده است.

جعفر بن محمد بن قولويه روايت ميكند از حسن بن عبدالله از پدرش عبدالله بن محمد بن عيسي از داود صرمي [7] از ابوجعفر ثاني (امام محمد تقی)

عليه السلام، قال: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي فَلَهُ الْجَنَّةُ. [78]

«داود صرمي گفت: شنيدم که حضرت ميگفت: کسیکه قبر پدرم را زيارت کند پس جزاي وي بهشت است.»

و أيضاً روايت ميكند از پدرش از سعد از ابراهيم بن ريان [8] که گفت: حديث کرد براي من يحيي بن الحسن الحسيني که او گفت: حديث کرد براي من علي بن عبدالله بن قطرب از حضرت ابوالحسن موسي عليه السلام:

قال: مَرَّ بِهِ ابْنُهُ وَ هُوَ شَابٌّ حَدَّثَ وَ بَنُوهُ مُجْتَمِعُونَ عِنْدَهُ؛ فَقَالَ: إِنَّ ابْنِي هَذَا يَمُوتُ فِي أَرْضٍ غُرْبَةٍ. فَمَنْ زَارَهُ مُسَلِّمًا لِأَمْرِهِ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَشَهِدَاءٍ بَدْرٍ. [9]

«ابن قطرب ميگويد: در حضور حضرت امام موسي كاظم عليه السلام که پسرانش مجتمع بودند، پسرش علي که نوجواني بود عبور کرد. حضرت فرمود: اين پسرم در زمين غربت مي ميرد. پس کسیکه تسليم امر ولايت و امامت او باشد و به حق او عارف و شناسا باشد، اگر او را زيارت کند ثواب او در نزد خداوند عزوجل مانند شهيدان غزوه بدر مي باشد.»

و أيضاً روايت ميكند از پدرش، و از محمد بن يعقوب، از علي بن ابراهيم از حمدان بن اسحق که گفت: از حضرت ابا جعفر عليه السلام شنيدم، و يا آنکه براي من از

مردی از ابا جعفر علیه السلام حکایت کرد - و شكّ از علی بن ابراهیم است - که حضرت ابا جعفر علیه السلام گفت:

مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي طُوسٍ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ.  
قَالَ: فَحَجَّجْتُ بَعْدَ الزِّيَارَةِ فَلَقَيْتُ أَيُّوبَ بْنَ نُوحٍ. فَقَالَ لِي [ قَالَ - ط ] أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ  
السَّلَامُ: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي طُوسٍ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ بَنَى لَهُ  
مِنْبَرًا يَجِدُاءُ مِنْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ ءآلِهِ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى  
يَفْرَغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلَائِقِ.

فَرَأَيْتُ أَيُّوبَ بْنَ نُوحٍ بَعْدَ ذَلِكَ وَ قَدْ زَارَ فَقَالَ: جِئْتُ أَطْلُبُ الْمِنْبَرَ. [10]

«کسیکه قبر پدرم را در طوس زیارت نماید، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می‌آمرزد.

حَمْدَانِ بْنِ إِسْحَاقٍ يَأْتِي أَن مَرَدٍ دِيْكَرٍ مِيْكَوْبِد: مِنْ پَسِ از مَلَاقَاتِ وَ دِيْدَارِ حَضْرَتِ  
أَبُو جَعْفَرِ إِمَامِ جَوَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَجَّ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ رَا بَجَايِ أَوْرَدَمِ، وَ دَرِ حَجِّ بَا أَيُّوبَ  
بِنِ نُوحٍ بَرُخُورِدِ وَ مَلَاقَاتِ نَمُودَمِ. اُو بَه مَنِ كُفْتُ: حَضْرَتِ أَبُو جَعْفَرِ عَلَيْهِ السَّلَامِ  
فَرَمُودَه اسْت: كَسِيْكَه قَبْرِ پَدْرِ مَرَا دَرِ طُوسِ زِيَارَتِ كُنْدِ، تَمَامِ كُنَاهَانِ كُذْشْتَه وَ  
أَيْنِدَه اش أَمْرُزِيْدَه مِي شُودِ وَ خِدَاوَنْدِ دَرِ رُوزِ قِيَامَتِ دَرِ صَحْرَايِ حَشْرِ بَرَايِ اُو مَنْبَرِي  
مِي سَازَدِ دَرِ مَقَابِلِ مَنْبَرِ رَسُوْلِ اَكْرَمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ ءآلِهِ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامِ تَا  
إِيْنِكِه خِدَاوَنْدِ از حِسَابِ خَلَائِقِ فَا رَغْ كُرْدَدِ.

من پس از این جریان، ایوب بن نوح را دیدار کردم درحالیکه زیارت قبر حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام را انجام داده بود و گفت: من آمدم تا اینکه آن منبر موعود را به دست آورم.»

و ايضاً روايت ميکند از محمد بن حسن از محمد بن حسن صفار از احمد ابن محمد بن عيسي از احمد بن محمد بن أبي نصر بزئطي؛ قَالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: أْبْلِغُ شِيَعَتِي: إِنَّ زِيَارَتِي تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ أَلْفَ حَجَّةٍ. قَالَ: فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْفَ حَجَّةٍ؟! قَالَ: إِي وَاللَّهِ! وَ أَلْفَ حَجَّةٍ لِمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ. [11]

«ميگويد: من در كتاب حضرت امام ابوالحسن الرضا عليه السلام خواندم: به شيعيان من برسانيد كه: زيارت من در نزد خداوند معادل با هزار مرتبه حج بيت الله الحرام را انجام دادن است.

بَزَنْطِي ميگويد: من از روي تعجب به حضرت ابوجعفر امام محمد تقی عليه السلام عرض کردم: هزار حج؟!

فرمود: آري قسم به خدا! و هزار هزار حج براي كسيكه زيارت كند او را در حاليكه عارف به حق وي باشد.»

باري، با ملاحظه آنچه ذكر شد، شايد بدست آيد سر استحباب زيارت حضرت ثامن الائمه عليه السلام در ماه رجب المرجب، و ارتباط قويم آن زيارت با زيارت بيت الله الحرام. چرا كه شهر رجب از ماههاي حرام است كه تك افتاده است، به خلاف ذوالقعدة الحرام و ذوالحجة الحرام و محرّم الحرام كه اين سه ماه، متوالي و پي در پي اند؛ و در ماه رجب جنگ حرام است، و داراي اعتبار و خصوصياتي است كه آنرا از سائر ماهها متمايز ميگرداند؛ و شهر الله است؛ و براي بسياري از سالكان راه خدا، در ماه رجب فتح باب مي شود. ولادت أميرالمومنين و بعثت رسول الله صلوات الله و سلامه عليهما موجب مزيد تكريم و تشریف این ماه شده است.



درازای دنیا بلکه به گسترش عالم برزخ و مثال، بلکه به وسعت قیامت و بهشت و دوزخ، و از آن برتر و بالاتر مطلب را گسترش دهیم. بنابراین فعلاً صلاح است که به همین مقدار اکتفا شود، تا نه خامهٔ من بشکند، و نه شما از خانه و لانه و دکان آواره شوید! فقط به ذکر يك روياي صادقه که از يکي از همشیره‌هاي خود حقیق است اکتفا نموده، مطلب را خاتمه می‌دهیم:

حقیق قبل از تشرّف به نجف اشرف فقط سه بار به زیارت حضرت ثامن‌الائمه علیه‌السلام مشرّف شده‌ام؛ و چون مَحَطِّ دروس تحصیلي ما مطالعهٔ اخبار و احادیث نبود، نمیدانستم زیارت آنحضرت ثواب حجّ بیت‌الله را دارد؛

و بالخصوص در ماه رجب زیارت مخصوصه است. در مدّت اقامت هفت ساله در نجف هم به احادیث زیارت حضرت امیرالمومنین و حضرت سیدالشهداء علیهما السلام چون محلّ ابتلا بود مراجعه می‌شد؛ ولی به احادیث ثواب زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام مراجعه نمی‌شد.

در مراجعت از نجف اشرف نیز تا بیش از يك سال که اشتیاق زیارت بود توفیق تشرّف دست نداد، تا در اواسط ماه رجب 1378 هجریّه قمریّه با چند تن از دوستان سلوکي بنا به تقاضا و دعوت آنها عازم بر تشرّف شدیم، و من تا آن زمان به گوشم نخورده بود که زیارت حضرت ثواب حجّ دارد، و نیز زیارت در ماه رجب را دارای خصوصیتی نمیدانستم و سفر ما در ماه رجب حسب الاتفاق بود، نه از روی قصد و انتخاب.

یکي دو روز مانده به موقع حرکت، حقیق که برای خداحافظي به دیدار بزرگان و اقوام و ارحام میرفتم، يك روز به منزل همشیرهٔ کوچک برای تودیع رفتم؛ وقتی مطلع شد که عازم آستان بوسی حضرت ثامن هستم، گفت: سُبْحَانَ اللَّهِ!

سُبْحَانَ اللَّهِ! من دیشب تو را در خواب دیدم که دو جامهٔ إحرام پوشیده‌ای و عازم  
بیت‌الله الحرام می‌باشی!

گفتم: خوب این خواب چه تعجّبی دارد؟!

گفت: تعبیرش روشن شد که شما عازم زیارت امام رضا علیه‌السلام می‌باشید،  
زیرا که در روایت وارد است کسیکه زیارت آنحضرت را بجا بیاورد کأنّهُ حَجَّ و عُمَرَهُ را  
انجام داده است؛ و شما که عازم این زیارت هستید در عالم رویا ملبّس به لباس  
احرام بوده و مقصد، بیت‌الله الحرام بوده است.

من هم از این رویا تعجّب نمودم، و به او گفتم: تا بحال من نمیدانستم که زیارت  
آنحضرت ارتباطی با حجّ و عمره دارد.

## اشعار بحرالعلوم در فضیلت کربلا و سائر مشاهد بر کعبه، و عظمت ایتان صلوة

### در آنها

بالجمله، این حقیقت را می‌توان از اشعار سیّد بحرالعلوم استفاده نمود،  
آنجا که کربلا را در مرتبه و درجه، برتر از کعبه قلمداد نموده است و سپس در بیت  
بعد بقیّهٔ مشاهد را در مرتبه و درجه به منزلهٔ کربلا به شمار آورده است:

- |  |   |
|--|---|
| أَكْثَرُ مِنَ الصَّلَاةِ فِي الْمَشَاهِدِ    | خَيْرِ الْبِقَاعِ أَفْضَلِ الْمَعَايِدِ (1)     |
| لِقَضَائِهَا اخْتِيرَتْ لِمَنْ بِهِنَّ حَلٌّ | ثُمَّ يَمَنْ قَدْ حَلَّهَا سَمَا الْمَحَلُّ (2) |
| وَ السِّرُّ فِي فَضْلِ صَلَاةِ الْمَسْجِدِ   | قَبْرٌ لِمَعْصُومٍ بِهِ مُسْتَشْهَدِ (3)        |
| بِرِشَّةٍ مِنْ دَمِهِ مُطَهَّرَهُ            | طَهَّرَهَا لِلَّهِ لِعَبْدٍ ذَكَرَهُ (4)        |
| وَ هِيَ بُيُوتُ أَدْنَى اللَّهِ بِأَنَّ      | تُرْفَعُ حَتَّى يُذَكَّرَ اسْمُهُ الْحَسَنُ (5) |
| وَ مِنْ حَدِيثِ كَرْبَلَا وَ الْكَعْبَةِ     | لِكَرْبَلَا بَانَ عَلُوُّ الرُّتْبَةِ (6)       |

وَاثْمَالُهَا بِالنَّفْلِ ذِي الشَّوَاهِدِ (7)	وَ غَيْرُهَا مِنْ سَائِرِ الْمَشَاهِدِ
وَ النَّفْلَ وَ أَقْضِ مَا عَلَيْكَ مِنْ قَضَا (8)	فَأَدِّ فِي جَمِيعِهَا الْمُفْتَرَضَا
وَ آثِرِ الصَّلَاةِ عِنْدَ الرَّأْسِ (9)	وَ رَاعِ فِيهِنَّ اقْتِرَابَ الرَّمْسِ
وَ النَّصُّ فِي حُكْمِ الْمُسَاوَاةِ اضْطَرَبَ (10)	وَ النَّهْيُ عَنِ تَقَدُّمِ فِيهَا أَدَبُ
كَغَيْرِهِ فِي نَدْبِهَا صَرِيحُ (11)	وَ صَلَّى خَلْفَ الْقَبْرِ فَالصَّحِيحُ
وَ غَيْرُهَا كَالنُّورِ فَوْقَ الطَّوْرِ (12)	وَ الْفَرْقُ بَيْنَ هَذِهِ الْقُبُورِ
وَ قُرْبُهَا بَلِ اللُّصُوقِ قَدْ طَلِبَ (13)	فَالسَّعْيُ لِلصَّلَاةِ عِنْدَهَا نُدْبُ
فَلَيْسَ بِالِدَّافِعِ إِذْنًا قَدْ سَمِعَ (14) [13]	وَ الْإِتِّخَاذُ قِبَلَهُ وَ إِنْ مَنِعَ

1 - نماز را در مشاهد مشرفه زیاد بجای آور، که آنجاها بهترین نقاط روی زمین است، و با فضیلت ترین معبدهای خداوند است.

2 - به جهت فضیلت داشتن آن خاک است که برگزیده شده است تا قبر امامی باشد که در آن مدفون گشته است. سپس همین محلّ بواسطه حلول امام در آن شرافت دیگری پیدا کرده است (یعنی اولاً خودش لیاقت داشته که خاک قبر امام گردد، ثانیاً با قبر امام شدن فضیلت دیگری پیدا نموده است). [14]

3 - و علت آنکه نمازگزاردن در مسجد فضیلت دارد، وجود قبر معصومی است که در آنجا به درجه رفیعه شهادت رسیده است.

4 - خداوند به برکت تراوش قطره‌ای پاک و پاکیزه شده از خون آن شهید، آن محلّ را پاک قرار داده است برای بنده‌ای که یاد خدا کند.

5 - مشاهد مشرفه خانه‌هایی هستند که خداوند اجازه فرموده است تا بالاروند و رفیع‌القدر و عالی‌الرتبه باشند تا اینکه اسم مبارک خداوند که نیکو و حسن است در آنجاها برده شود.



6 - و از حدیثی که درباره کربلا و درباره کعبه وارد شده است، برتری و علو رتبه کربلا نسبت به کعبه روشن و واضح شده است. [15]

7 - و غیر از کربلا بقیه مشاهد مشرفه دیگر هم در مقام و مرتبت، در حکم کربلا میباشند؛ و برای این مطلب شواهدی از علوم نقلیه در دست داریم.

8 - بنابراین، تو جمیع نمازهای واجب و نوافل خود را در آن مشاهد بگذار، و نمازهای قضای را همچنین در آنجا انجام بده!

9 - و در آن مشاهد مراعات کن که هرچه میتوانی به قبر مبارک نزدیک باشی؛ و نماز خواندن در نزد سر امام را بر سائر جاها برگزین!

10 - و نهی شرعی که از خواندن نماز جلوتر از قبر امام وارد شده است، نهی ادبی و تنزیهی است، نه نهی تحریمی؛ و نصی که درباره نماز خواندن محاذی و مساوی قبر معصوم وارد است، در متنش اضطراب دارد؛ و استفاده حرمت از آن نمی‌شود.

11 - و نماز بخوان در پشت قبر (بطوریکه قبر را قبله خود قرار دهی) زیرا اخبار وارده صحیحه و غیرصحیحه در استحباب آن صراحت دارد.

12 - و فرق میان این قبور مطهره (که در آنجاها نمازگزاردن استحباب اکید دارد) و میان غیر این قبور (که در آنجاها نمازگزاردن کراهت دارد) مانند قطعه نوری است که بر فراز کوهی میدرخشد و خودش را نشان میدهد. (دیگر جای شبهه نیست.)

13 - بنابراین، شتافتن برای نماز خواندن در نزدیکی این قبور مطهره مندوب و مستحب است؛ و هرچه نزدیکتر بودن به قبر، و بلکه چسبیدن به آن نیز مطلوب و ممدوح است.

14 - و قبر مردگان را در وقت نماز، قبله خود قرار دادن اگرچه مورد نهی و منع واقع شده است؛ ولیکن این عمومات و اطلاقات نمی‌تواند إذنی را که درباره خصوص معصومین وارد شده است از میان بردارد.

حضرت آقای حاج سید هاشم پس از زیارت و طواف اگر به راحتی در بالای سر مطهر جا برای نماز بود، آنجا نماز می‌گزاردند؛ و گرنه هر جای حرم که جا بود و مزاحم کسی نبود به آنجا می‌رفتند؛ و این روئے آنحضرت بود در همه مشاهد مشرفه مثل نجف و کربلا و کاظمین و سامراء.

---

1. «بحار الانوار» طبع کمپانی، جلد 22، کتاب المزار، ص 225، و ص 226

2. «بحار الانوار» طبع کمپانی، جلد 22، کتاب المزار، ص 225، و ص 226

3. «تحفة الزائر» طبع سنگی، ص 402

4. «هدیة الزائرین» طبع سنگی، ص 238

5. «کامل الزیارات» ص 305 و 306

6. «وسائل الشیعة» طبع امیر بهادر، ج 2، ص 410

7. علامه شیخ عبدالحسین امینی رحمه الله علیه در تعلیقه دارد که: الصّرْمِيُّ

بفتح الصاد المُمَهَلَة و قيل بكسرهما و بَعَدَهَا رَاءٌ سَاكِنَةٌ، يُنْسَبُ إِلَى بَنِي صَرْمَةَ بْنِ

كَثِيرٍ: بَطْنٌ مِنْ عُدْرَةَ بْنِ زَيْدِ اللَّاتِ مِنَ الْقَحْطَانِيَّةِ؛ أَوْ إِلَى صَرْمَةَ بْنِ مَرَّةٍ: حَيٌّ مِنْ

دُبْيَانَ. و داود هذا هو داؤد بن مافئنة الصّرْمِيّ بقرينة أحمد بن عيسى، لا داؤد

الصّرْمِيّ الَّذِي مِنْ أَصْحَابِ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَرَوِي عَنْهُ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ

قَدْ ذَهَبَ بَعْضُ إِلَى اتِّحَادِهِمَا.

8. «کامل الزیارات»، باب 101، ص 303

9. در نسخه «بحار» (ج 22، ص 226 از طبع کمپانی و ج 102 ص 41 از طبع

حیدری) ابراهیم بن الزیّات ضبط نموده است. (م)

10. «کامل الزیارات»، باب 101، ص 304 و 305

11. «کامل الزیارات» باب 101، ص 305

12. همان مصدر، ص 306

13. منظومه علامه سیّد مهدی بحرالعلوم معروف به «الدّرة النّجفیّة»

14. بنابراین ضمیر اختیرت به همان بقاع و مشاهد برمیگردد نه به نماز، و لام اوّل

برای تعلیل و لام دوّم برای اختصاص خواهد بود. و چون ما این ابیات را در ص 225

از جلد یازدهم «امام شناسی» از دوره علوم و معارف اسلام آورده‌ایم و به

گونه‌ای معنی نموده‌ایم که ضمیر اختیرت به نماز برمیگردد، اینک باید آن ترجمه

اصلاح گردد و این ترجمه بجای آن بنشیند.

15. آیه الله محقق سیّد محمود طباطبائی (قدّه) در کتاب «المواهب السنیّة فی

شرح الدّرة العروپیّة» که از علامه سیّد مهدی بحرالعلوم می‌باشد در ج 5، ص 215

در شرح این بیت سیّد (ره) فرموده است:

فَفِي حَبْرِ عَمْرٍو بْنِ ثَابِتٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَلَقَ اللَّهُ كَرَبْلَا

قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْكَعْبَةَ بِأَرْبَعَةٍ وَعِشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ، وَقَدَّسَهَا وَبَارَكَ عَلَيْهَا فَمَا زَالَتْ

قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ الْخَلْقَ مُقَدَّسَةً مُبَارَكَةً لَا تَزَالُ كَذَلِكَ جَعَلَهَا اللَّهُ أَفْضَلَ الْأَرْضِ فِي

الْجَنَّةِ.

و يُمَكِّنُ الْإِسْتِنَادُ فِي ذَلِكَ إِلَى الْأَخْبَارِ الْوَارِدَةِ فِي فَضْلِ زِيَارَتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ

عَلَى الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ مِرَارًا مَعَ أَنَّ فِيهِمَا الطَّوْفَ بِالْبَيْتِ وَزِيَارَتَهُ... تا آخر شرح طویلی

که افاده نموده است.

